

اشاره

یکی از گونه‌های شناخته شده در میان انواع مختلف تألیفات اسلامی، گونه «قصص الانبیاء» است که برگرفته از قرآن، روایت تاریخ و سرگذشت پیامبران پیش از اسلام است. ارتباط موضوعی این نوع تألیفات با تفسیر و تاریخ و احادیث اسلامی و اشتراک مضمونی آنها با گزارش‌های عهدین، از جمله عواملی است که موجب جذابیت این گونه ادبی برای محققان حوزه مطالعات اسلامی در غرب شده و توجه ویژه آنان را به این موضوع جلب کرده است. انتشار پژوهش‌های متعدد در این باره در کشورهای غربی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه و همچنین ترجمه شمار چشمگیری از آثار کلاسیک این موضوع به زبان‌های اروپایی، شاهدی بر این مدعاست. یکی از پژوهش‌های قابل توجه در این باره کتاب پیامبران عهدین در قرآن و منابع اسلامی، نوشته روبرتوتوتولی است که اصل آن به زبان ایتالیایی در سال ۱۹۹۹ تألیف شد و انتشارات کرزن، ترجمه انگلیسی آن را در سال ۲۰۰۲ منتشر کرد. ترجمه فارسی بخش عمده‌ای از این کتاب، در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات انجام شده است.

مقاله حاضر - که یکی از منابع مهم پژوهش توتولی است. نوشته یان پائولینی خاورشناس و صاحب مقالات متعددی درباره ادبیات قدیم عربی و اسلامی است. این مقاله در سال ۱۹۶۹ به زبان آلمانی تألیف و در سال ۱۹۹۹ به زبان انگلیسی ترجمه شده است. اگرچه بیش از چهار دهه از زمان تألیف این مقاله می‌گذرد، حاوی نگاهی روشمند و نکاتی ارزشمند است که در تألیفات موجود به زبان فارسی در این موضوع کمتر به آنها توجه می‌شود. توجه و اهتمام فراوان مؤلف به معرفی نسخ خطی مرتبط با موضوع و دانش گسترده او در این امر، از جنبه‌های شاخص مقاله است.

این مقاله، پژوهشی درباره آثار مشتمل برداستان‌های پیامبران و عناوین این آثار در منابع اسلامی است. در این نوشتار به بررسی مشهورترین کتاب‌های این گونه ادبی که عمدتاً عنوان «قصص الانبیاء» دارند، خواهیم پرداخت. ساختار و مضامین این آثار، الگویی به دست می‌دهد که در درک این گونه ادبی و سیر تحول آن در اعصار میانه اسلامی راهگشاست؛ بنابراین هدف این مقاله، ارائه کتابشناسی آثار قصص الانبیاء نیست که این خود کاری دشوار است و پژوهشی مستقل می‌طلبد؛ همچنین آثار مختص به موضوع نبوت یا سرگذشت یک پیامبر (نظیر داستان یوسف) در این پژوهش جایی ندارد.

در منابع عربی سده‌های میانه، از آثار مشتمل برداستان‌ها و افسانه‌های پیامبران در قرآن اساساً با عنوان «قصص الانبیاء» یاد می‌شود. این عنوان باید بسیار کهن باشد؛ چنان‌که ابن قتیبه (د ۲۷۶) در المعارف «مبتداً الخلق و قصص الانبیاء» را نخستین فن از فنون معارف معرفی کرده

مقاله

نکات درباره کتاب‌های قصص الانبیاء در منابع اسلام

یان پائولینی

ترجمه‌ای از: Ján Pauliny, "Some Remarks on the Qiṣaṣ al-Anbiyá' Works in Arabic Literature", in *The Qur'ān. The Formative Interpretation*, ed. Andrew Rippin, pp. 313-326

ترجمه مهرداد عباسی و راحله نوشاوند

استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی | کارشناس ارشد دانشگاه آزاد
واحد علوم و تحقیقات | اسلامی واحد علوم و تحقیقات

چکیده: یکی از گونه‌های شناخته شده در میان انواع مختلف تألیفات اسلامی، گونه قصص الانبیاء است که ملهم از قرآن، روایت تاریخ و سرگذشت پیامبران پیش از اسلام است. نویسنده در مقاله حاضر، آثار مشتمل برداستان‌های پیامبران و عناوین این آثار در منابع اسلامی را مورد دقت قرار داده و به بررسی مشهورترین کتاب‌های این گونه ادبی که عمدتاً عنوان قصص الانبیاء دارند، می‌پردازد. کلیدواژه: قصص الانبیاء، نقد و بررسی کتاب.

است، می‌توان به نسخه واتیکان، بدء الخلق و قصص الانبیاء،^{۱۰} اشاره کرد که مؤلف آن ابورفاعه عماره بن وثیمة الفرات (د ۲۸۹) نام دارد.^{۱۱} از آنجا که عماره را با عنوان یک مورخ می‌شناسیم،^{۱۲} این احتمال وجود دارد که تألیف او درباره قصص، در واقع گزیده‌ای از کتاب او در تاریخ باشد؛ حال آنکه سخاوی کاملاً به عکس، معتقد است عماره یک کتاب قصص الانبیاء مستقل در دو جلد نوشته است.^{۱۳}

قصص الانبیاء نسبتاً کهن دیگری را می‌توان ذیل شماره ۱۲۴۹ / ب در کتابخانه بلدیة در اسکندریه یافت. بخش نسخه‌های اتحادیه عرب در قاهره، یک کپی از این نسخه برای خود تهیه کرده است. بر اساس همین نسخه، توصیف مختصری درباره این اثر در فهرست مؤسسه پیش‌گفته نیز آمده است.^{۱۴} این نسخه در سال ۶۶۶ در مغرب یا بر اساس توصیفی که گفته شد، در اندلس نوشته شده است. این نسخه منتسب به عبدالله محمد بن سعید بن هشام حجری است^{۱۵} که در هیچ جایی او را مؤلف قصص الانبیاء ندانسته‌اند. نسخه مذکور اثر منحصر به فردی است شامل داستان‌های خلقت و پیامبران از آدم تا ابراهیم که در شکلی بسیار دقیق تر و با جزئیاتی بیشتر نسبت به سایر قصه‌های پیامبران در مجموعه‌های قصص الانبیاء عرضه شده است. این کتاب با همان شیوه‌های معروف و رایج ارائه مطالب آغاز می‌شود و در آن، بارها به قرآن و مراجع نخستین (به ویژه وهب بن منبه) استناد می‌شود. اما باید گفت قصه‌ها جنبه عامیانه تری دارند. در صفحه عنوان این نسخه، دستخط جدیدی وجود دارد که به اشتباه وهب بن منبه را مؤلف این کتاب معرفی می‌کند. شاید این اشتباه ناشی از این حقیقت باشد که در بخش‌های آغازین کتاب، وهب راوی اصلی داستان‌های خلقت معرفی شده است. این اشتباه درباره نام مؤلف در فهرست اتحادیه عرب، که پیش‌تر ذکر شد، نیز رخ داده است.

علاوه بر این نسخه، دو مجموعه بسیار مشهور دیگر از داستان‌های پیامبران با عنوان «قصص الانبیاء» در دست داریم. نسخه‌های متعددی از این دو مجموعه در کتابخانه‌های مختلف باقی مانده و چندین بار نیز تجدید چاپ شده است:

الف) مجموعه ثعلبی (د ۴۲۷) که عمدتاً برگرفته از تفاسیر قرآن و منابع تاریخی است.^{۱۶}

است.^۱ ابن قتیبه در مقدمه کتابش به اختصار از معنای «فن» سخن گفته است،^۲ و از نخستین فصل کتابش، مفهوم دقیق تری از عبارت «فتی از فنون معارف» را می‌توان دریافت.^۳ در این فصل، داستان خلقت جهان و زندگی پیامبران پیش از اسلام به ترتیب تاریخی و به اختصار ذکر می‌شود. این فصل با فهرست کتاب‌های نازل شده بر پیامبران همراه با اطلاعاتی در خصوص سن پیامبران پایان می‌یابد. شکل و محتوایی که در کتاب ابن قتیبه می‌بینیم، با تفصیل بیشتری در آثار با موضوع و مضمون مشابه می‌توان باز یافت.

اگرچه کهن‌ترین آثار قصص الانبیاء به شکل اصلی شان به دست ما نرسیده است، اما احتمال زیادی وجود دارد که این قبیل آثار، پیش از روزگار ابن قتیبه مدت‌ها شهرت داشته‌اند و از لحاظ شکلی و محتوایی، بر اساس اصول و مبانی مشخصی تألیف می‌شده‌اند.

حاجی خلیفه عنوان «قصص الانبیاء» را به اثری بسیار کهن از این نوع نسبت می‌دهد که به دست ما نرسیده است. مؤلف این اثر، همان‌گونه که انتظار می‌رود، وهب بن منبه (د ۱۱۰) است؛^۴ هر چند درباره عنوان حقیقی کتاب اب‌نمی‌توان با قطعیت اظهار نظر کرد.^۵ حاجی خلیفه همچنین از قصص الانبیاء نویسان دیگری نام می‌برد که آثارشان بر جای نمانده است.^۶ از میان این افراد، می‌توان به سهل بن عبدالله بن تستری اشاره کرد که بنا بر گزارش برخی منابع، اصلاً کتابی در این باره تألیف نکرده است.^۷ اطلاعاتی درباره برخی آثار دیگر با عنوان قصص الانبیاء را که اغلب از این رفته‌اند، می‌توان در منابع ذیل کتاب حاجی خلیفه^۸ یا در اثر بروکلیمان^۹ باز جست.

فهرست‌های نسخ خطی نیز اطلاعاتی درباره آثار قصص الانبیاء به دست می‌دهد. در میان این کتاب‌ها که منتسب به مؤلفان کمابیش قدیمی

۱. کتاب المعارف؛ قاهره، ۱۹۳۴، ص ۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۶-۲۷. عنوان فصل نخست [این کتاب] در چاپ قاهره مبتدأ الخلق است.

۴. حاجی خلیفه (کشف الظنون؛ ج ۴، ص ۹۴۳۶-۹۴۳۷) عناوین قصص الاخیار و قصص الانبیاء را فهرست کرده است.

۵. قیاس کنید با کتاب الفهرست (چاپ قاهره، ص ۱۴۴) که عنوان کتاب المبتدأ آورده است. اما مؤلفان دیگر نظیر یاقوت (معجم الألباء، قاهره، ۱۹۳۸، ج ۱۹، ص ۲۵۹-۲۶۰، ش ۹۴) یا ابن خلکان (وفیات الأعیان، قاهره، [۱۹۴۸-۱۹۴۹]، ش ۷۴۳) در گزارش‌شان هیچ عنوان مشخصی از فعالیت ادبی وهب بن منبه ارائه نمی‌دهند. هورویتس (دائرة المعارف اسلام، چاپ اول، ج ۴، ص ۱۰۸۴-۱۰۸۵) عناوین مختلف اثر فرضی وهب بن منبه را بررسی کرده است (نیز رک به: ترجمه عربی مغازی او، [قاهره، ۱۹۴۹]، ص ۳۱-۴۱). اوسوالی اساسی با این مضمون مطرح کرده است که آیا وهب بن منبه چندین اثر در همین موضوع با عناوین مختلف نوشته است.

۶. حاجی خلیفه؛ کشف الظنون؛ ج ۴، ص ۹۴۳۷.

۷. قیاس کنید با: دائرة المعارف اسلام؛ ج ۱، ص ۶۳. عمر کحاله نیز در کتاب معجم المؤلفین (دمشق، ۱۹۵۷-۱۹۶۱) به پیروی از حاجی خلیفه یک کتاب قصص الانبیاء را به سهل تستری نسبت می‌دهد.

۸. اسماعیل پاشا بغدادی؛ ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون؛ ج ۲، استانبول، ۱۹۴۵-۱۹۴۷، ص ۲۲۷-۲۲۸.

9. GAL، 1:428-429؛ Suppl.، 1:592.

10. Vat. V، Borg. P. 165.

11. Cf. GAL، Suppl.، 1:217.

۱۲. قیاس کنید با: حاجی خلیفه؛ کشف الظنون؛ ج ۲، ص ۲۱۲۰. کحاله؛ معجم المؤلفین؛ ج ۷، ص ۲۶۹. نیز: Wüstenfeld، Geschichtsschreiber، 82.

۱۳. سخاوی؛ الاعلان بالتبویح لمن ذم اهل التاريخ؛ ص ۵۳۹. ارجاعات این اثر مطابق ترجمه عربی فرانتس روزنتال است (بغداد: مکتبه المثنی، ۱۹۶۳). بنا بر قول مشهور، کتاب روزنتال متن کامل اثر سخاوی را در بر دارد.

۱۴. فؤاد سید؛ فهرس المخطوطات المصوّرة، ج ۲، قاهره، ۱۹۵۸، ص ۱۱۷ (ش ۷۲۵).

۱۵. از این مؤلف در بخش‌های متعدد این کتاب، با چنین عبارتی یاد شده است: «قال ابو عبدالله محمد بن سعید بن هشام الحجری مصنف هذا الكتاب...».

۱۶. عنوان کلی این مجموعه، عرائس المجالس فی قصص الانبیاء (بولاق، ۱۲۸۶؛ قاهره، ۱۳۰۱ و...).

تعبیر مرکب قصص الانبیاء در زبان عربی به خودی خود کاملاً روشن و گویاست. معنا و واژگان تشکیل دهنده آن عیناً برگرفته از قسمت‌هایی از قرآن است که هورویتس «بخش‌های داستانی قرآن» نامیده است.^{۲۴} در این بخش‌ها، فعل «قَصَّ» یا مصدر آن «قَصَصَ» نسبتاً فراوان دیده می‌شود. از متن قرآن چنین برمی‌آید که این واژه‌ها معمولاً درباره داستان به معنای اخبار گذشتگان به کار رفته است.^{۲۵} در بسیاری موارد، گویی خود خدا سخنگوی واقعی این داستان‌هاست.^{۲۶} پیامبران نیز اغلب بازگوکنندگان نشانه‌های خدا یا گوینده داستان‌های شخصی خودشان قلمداد می‌شوند.^{۲۷} وجود واژه‌های قَصَّ و قصص در قرآن، با توجه به معنایشان در زبان عربی، احتمالاً در شکل‌گیری اصطلاح قصص الانبیاء مؤثر بوده است؛ علاوه بر این، شواهدی در قرآن هست که نه تنها بر این حقیقت صحه می‌گذارد، بلکه بر نقش خدا در این داستان‌ها نیز تأکید می‌کند. این تأکید شاید در تفسیر معنای اصیل اصطلاح قصص الانبیاء و فهم مفهوم صرف قرآنی آن به معنای «روایت‌های خدا از پیامبران» مؤثر بیفتد. نمونه‌ای از این قبیل، آیه‌ای از آیات آغازین سوره یوسف است: «ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به توحی کردیم، بر تو حکایت می‌کنیم، و تو قطعاً پیش از آن، از بی‌خبران بودی» (یوسف: ۳). در پایان سوره یوسف، بر هدف کلی این وحی تأکید شده است: «به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی هست» (یوسف: ۱۱۱). نیز «ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم: آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند» (کهف: ۱۳) و «و هر یک از سرگذشت‌های پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می‌کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم، و در اینها حقیقت برای تو آمده، و برای مؤمنان اندرز و تذکری است» (هود: ۱۲۰).

مطابق این آیات، بازگویی این وقایع داستانی، نه داستان‌سرایی بی‌هدف، بلکه بیان سرگذشت‌هایی است که نقشی مهم در قرآن ایفا می‌کند.^{۲۸} این داستان‌ها که برخی به تنهایی بخش‌های کاملی از قرآن را تشکیل می‌دهند و برخی به صورت پراکنده در میان آیات دیگر قرآن آمده‌اند،^{۲۹} هدف و معنای نشانه‌های خدا را توضیح می‌دهند و همچنین بیانگر خدا ترسی و تدبیر پیامبران یا توصیف‌گر اعمال زشت و بد گناهکاران، بت‌پرستان و متخلفان از شریعت الهی هستند؛ از این رو، این داستان‌ها هشدار دهنده و عبرت‌آموزند. اما آنچه در این باره برای ما اهمیت دارد، آن است که این داستان‌ها معرفی اولیه‌ای از پیامبران و رسالتشان به دست می‌دهد که مبنا و معیاری برای بررسی معنای اسلامی نبوت و تطور آن

ب) مجموعه کسائی (احتمالاً زنده در قرن پنجم) که برداشتی عامه پسند از موضوعات داستانی قرآن ارائه می‌کند.^{۱۷}

با این حال، بسیار دشوار است که عنوان اصلی و واقعی مجموعه‌هایی نظیر کتاب وهب کاملاً مشخص شود؛^{۱۸} در عین حال، بررسی ما نشان می‌دهد عنوان قصص الانبیاء برای نسل اول مجموعه‌نویسان یا راویان افسانه‌های پیامبران کاملاً آشنا بود و به تدریج به اصطلاح رایج و معتبر بدل شد.^{۱۹} این موضوع کاملاً روشن است که از آغاز با اندکی بعد، اصطلاح قصص الانبیاء، که عنوان برخی آثار خاص بود. همچون عنوانی پذیرفته شده برای گونه‌ای خاص از منابع اسلامی سده‌های میانه کاربرد داشته است.^{۲۰} مؤید این مطلب آن است که سخاوی، یکی از مؤلفان متأخر، در طبقه‌بندی تألیفات تاریخی، جایگاهی مستقل برای متون قصص الانبیاء در نظر گرفته است. در این طبقه‌بندی، که به گفته خود از ذمبی اقتباس کرده. آثار قصص الانبیاء در دو مین طبقه و دقیقاً پس از آثار سیره قرار گرفته است.^{۲۱} سخاوی با اختصاص فصلی کوتاه به قصص الانبیاء مؤلفان مهمترین مجموعه‌های این‌گونه را نام می‌برد.^{۲۲} نخستین مؤلف در فهرست او محمد بن اسحاق است.^{۲۳}

است. عنوان مجالس برگرفته از این حقیقت است که این اثر به واحدهای جداگانه‌ای با نام المجالس تقسیم می‌شود؛ مثلاً مجلس فی قصة آدم عليه السلام از همین روست که بعداً مؤلف قصص الانبیاء علی رأی الامامیه (نسخه‌های برلین، ۱۰۲۵؛ پیتربرس، ۶۳۳) نعلبی را المجلسی خوانده است. ۱۷. برای نمونه در این نسخه‌ها از عنوان قصص الانبیاء نام رفته است: قاهره، دارالکتب ص ۱۳۵؛ قاهره، دارالکتب، ص ۲۷۰؛ ریاط، ۱۰۰۹ (d-595)؛ بیروت، دارالکتب الوطنیه، ص ۳۴۵؛ قاهره، تیموریه، ص ۸۵۴؛ هونینگر، ص ۲۰۹، و جزاینها. در دیگر نسخه‌ها، عناوین بسیار جزئی‌تری به چشم می‌خورد که نشان دهنده محتوای کامل اثر است؛ مثلاً نسخه‌های واتیکان ۴۴۱/۵ و واتیکان ۴۴۴/۵ نامشان بده الخلق و قصص الانبیاء است. نسخه لیبزیک ۱۰۶ عنوان مشابه کتاب بده الدنيا و قصص الانبیاء را دارد. عنوان نسخه الأهر ۲۳۴۴-۳۷۷۰ چنین است: هذا کتاب فیہ مبتدأ الدنيا و قصص الانبیاء. نسخه‌های دیگر نظیر موزه بریتانیا ۴۹۸ نامشان فقط کتاب بده الدنيا است.

با توجه به عناوین متنوعی که برای این اثر به کار رفته است، رسیدن به نقطه‌ای که حاجی خلیفه به آن رسیده است، چندان دشوار نیست. او یک اثر از ذیل سه عنوان مختلف ذکر می‌کند: قصص الانبیاء (ج ۴، ص ۹۴۳۷)، بده الدنيا (ج ۲، ص ۱۶۹۱) و خلق الدنيا (ج ۳، ص ۴۷۹۳). دوائر اخیر را نباید با اثر کسائی درباره داستانهای خلقت با عنوان کتاب عجائب المملوک اشتباه کرد. متن تصحیح‌شده کتاب کسائی، که اسحاق آیزنبرگ آن را تصحیح و انتشارات بریل در سال ۱۹۲۲-۱۹۲۳ منتشر کرده است. نیز نام قصص الانبیاء را در صفحه عنوان عربی‌اش دارد.

۱۸. در قدیم‌ترین نسخه‌های برجای مانده از مجموعه کسائی (برلین ۱۰۲۴، مورخ ۱۲۰۳/۱۲۰۳؛ موزه بریتانیا ۴۹۷، مورخ ۹۶۱۷/۱۲۲۰؛ لندن ۸۹۰، مورخ ۱۳۷۹/۷۸۱) برگ‌ها در آغاز نسخه‌ها به دست نسخه‌نویسان بعدی استفاده شده یا آسیب دیده است؛ به صورتی که مسئله‌ای درباره‌ای‌ای روشن از نحوه عنوان‌گذاری اصلی این اثر وجود ندارد.

۱۹. در این باره نیز بزرگ به: سخاوی؛ اعلان؛ ص ۵۲۲. حاجی خلیفه؛ کشف الظنون؛ ج ۴، ص ۹۴۳۷. ذیل کتاب حاجی خلیفه؛ کشف الظنون؛ ج ۲، ص ۲۲۷-۲۲۸. نیز: GAL، ۱: ۵۹۲. - Suppl. ۱: ۲۹.

۲۰. عنوان قصص الانبیاء به آثاری از این دست در دیگر زبان‌های اسلامی نیز راه یافته است؛ برای نمونه رک به: نسخه براون، ۲۱. J. (مورخ ۷۳۱ ق) که ترجمه فارسی اثری به زبان عربی نوشته ابوالحسن بوشنجی است (see. GAL, Suppl. ۱: ۵۹۲). عنوان عربی قصص الانبیاء همچنین در ترجمه‌های ترکی اثر کسائی آمده است؛ مثلاً رک به: نسخه ۸۸۱ Yeni.

تاور (۱۹۶۳، ۳۹۱) (dějiny perské a tádžické literatury - Prague) یادآور شده است آثاری با عنوان کلیشه‌ای قصص الانبیاء به تعداد بسیاری در منابع فارسی عرضه شده‌اند. در میان آنها کتاب اسحاق بن ابراهیم بن منصور بن خلف نیشابوری شهرت گسترده‌ای یافته است.

۲۱. سخاوی؛ اعلان؛ ص ۵۱۸.

۲۲. همان، ص ۵۲۲.

۲۳. همان، ص ۵۲۲. در مقایسه با این دیدگاه، مقدسی نیز دیدگاهی مشابه دارد. رک به: یادداشت شماره ۵۴.

24. Horovitz, *Koranische Untersuchungen*-1.

نیز رک به: قصص الانبیاء عبدالوهاب نجار (قاهره و بیروت، ۱۹۶۶). که به همه این عبارات اشاره دارد. ۲۵. به جز آیات آل عمران: ۲۰؛ انعام: ۵۷ و احتمالاً اعراف: ۷. با:

Horovitz, *Koranische Untersuchungen*-7.

۲۶. نساء: ۱۶۴، هود: ۱۲۰، یوسف: ۳، یوسف: ۱۱۱، نحل: ۱۱۶، کهف: ۳، طه: ۹۹، نمل: ۷۶.

۲۷. انعام: ۱۳۰، اعراف: ۱۳۵، اعراف: ۱۷۶، یوسف: ۵، قصص: ۲۵.

28. Cf. Horovitz, *Koranische Untersuchungen*-8ff.

۲۹. همان، فصل اول، ص ۴-۱.

به خود و رسالتش جلب می‌کند.^{۳۵} محمد (ص) از این طریق می‌خواست برای مردمان عرب صدر اسلام توضیح دهد که پیامبر خدا حقیقتاً کیست و چه وظایف و مسئولیت‌هایی دارد.

بر خلاف قرآن که همواره نشان‌دهنده ارتباطی اساسی و مهم میان محمد ﷺ و دیگر پیامبران است، در آثار قصص الانبیاء سرگذشت پیامبران به طوری آگانه و بدون ارتباط با رسالت محمد ﷺ بررسی می‌شود. این موضوع را همچنین می‌توان از این حقیقت دریافت که بخش‌هایی از زندگی محمد ﷺ هرگز در نخستین آثار قصص الانبیاء جای نگرفته‌اند.^{۳۶} تنها در مواردی اندک و پراکنده از محمد ﷺ در آثار قصص الانبیاء سخن به میان آمده یا در بخش‌های پایانی آنها پیامبران عهد قدیم با محمد ﷺ مقایسه شده‌اند.

در همان ابتدای کار، باید دگرگونی و اختلاف در کار تألیف قصص الانبیاء پدیدار شده باشد؛ زیرا زندگی پیامبران در آثار مختلف این گونه ادبی به شیوه‌های متفاوتی بررسی شده است. اما این موضوع تنها از قرن پنجم به بعد قابل تحقیق است؛ زیرا مهم‌ترین آثار قصص الانبیاء موجود، از آن زمان به وجود آمده‌اند؛ در واقع در آن زمان بود که مفسر مشهور قرآن، ثعلبی،^{۳۷} کتاب خود عرائس المجالس فی قصص الانبیاء را گرد آورد. با توجه به روش نقل و ارائه مطالب می‌توان دریافت که این کتاب از روایات‌های تفسیری^{۳۸} و منابع تاریخی حاصل آمده است؛ هر چند مؤلف از نقل اخبار غیر موثق نیز صرف نظر نکرده است. مجموعه منتسب به کسائی^{۳۹} در مقایسه با کتاب ثعلبی برداشتی عامیانه از مطالب داستانی در قرآن به دست می‌دهد. ویژگی خاص اثر او این است که هر موضوع است که این ویژگی کتاب کسائی را به اثری صرفاً ادبی بدل کرده است.

عالمان و متکلمان اسلامی هرگز آثار قصص الانبیاء را منبعی موثق برای پژوهش درباره زندگی پیامبران پیش از اسلام به شمار نمی‌آورند.^{۴۰} مراجع اصلی در این باره عبارتند از: قرآن و پس از آن مجموعه‌های روایات و تفاسیر مشهور و مورد اتفاق. این نگاه بدبینانه پژوهشگران مسلمان به قصص الانبیاء

است.^{۴۰} هم مفسران قرآن و هم نویسندگان کتاب‌های قصص الانبیاء از همین منظر به جنبه‌های اصولی و بنیادین بخش‌های داستانی قرآن نگریسته‌اند. ثعلبی در مقدمه کتابش می‌نویسد:

خداوند قادر، برای برگزیده خود [مصطفی، یعنی پیامبر اسلام] داستان‌هایی (قصص) از پیامبران گذشته و مردمان پیشین را برای پنج هدف یا حکمت حکایت می‌کند. نخستین حکمت، عرضه دلیلی بر صدق نبوت محمد است؛ زیرا او اقی بود و از طریق دیگری نمی‌توانست این داستان‌ها را بیاموزد. حکمت دوم فراهم آوردن اسوه‌هایی اخلاقی برای محمد و امت اوست. سومین حکمت نقل جزء به جزء این داستان‌ها تأکید بر برتری محمد و امتش بر امت‌های پیشین است. حکمت چهارم این است که خداوند از طریق نقل داستان‌های پیامبران و عاقبت آنان و دشمنانشان، قصد تعلیم و تربیت جامعه اسلامی را داشته است... پنجمین حکمت در بازگویی سرگذشت پیامبران و صالحان گذشته، حفظ نام و یاد و کارهای آنهاست.^{۴۱}

مؤلفان بعدی، واژه «حکمة» را که اغلب در قرآن کریم به معنای دانایی یا پند آمده،^{۴۲} و برآمده از نشانه‌های خداوند یا اعمال پیامبران است، بسیار به کار برده‌اند.^{۴۳}

اگرچه در مقدمه سایر آثار قصص الانبیاء، از جمله قصص الانبیاء کسائی^{۴۴} به هدف اخلاقی خاصی تصریح نشده است، مضمین این آثار آشکارا نشانگر آن است که مؤلفان آنها پیرو چنین الگویی بوده‌اند.

ارتباط قصص الانبیاء با قرآن، تنها در وابستگی آن به وحی قرآنی خلاصه نمی‌شود. مؤلفان قصص الانبیاء در عین حال به کارکرد و نتایج اخلاقی داستان‌های پیامبران در قرآن نیز نظر دارند. آنان در صدد تبیین نشانه‌های خدا و اثبات نبوت پیامبران برای مسلمانان سده‌های میانه بودند و این کار را در درجه نخست بر پایه قرآن و در درجه دوم بر اساس دیگر منابع تکمیلی که عموماً متأثر از کتاب مقدس بودند، انجام می‌دادند.

هورویتس به درستی یادآور می‌شود که محمد (ص) با سخن گفتن از تلاش‌ها و پیروزی‌های پیامبران، توجه [مخاطبانش] را به طور غیر مستقیم

35. Cf. Horovitz, *Koranische Untersuchungen*, 44ff.

۳۶. چندین کتاب قصص الانبیاء از دوره اخیر، شامل تاریخ زندگی پیامبر اسلام است؛ از جمله این آثار، نسخه خودنوشتی با عنوان قصص الانبیاء (متعلق به کتابخانه خالدیه در اورشلیم، سیره، ش ۲۳) از احمد بن ابی عذیبه است. در این باره رک به: مقاله من:

“Ein unbekanntes Autograph Qisas al-anbiyā von Ahmad ibn Abi ‘Udhayba”, *Asian and African Studies* (Bratilava, SAV), 5 (1969), 71–76; 6 (1970), 87–91.

۳۷. قیاس کنید با: ابن خلکان (قاهره، ۱۹۴۸–۱۹۴۹)، ش ۳۰، نیز: Wüstenfeld, *Geschichtsschreiber*, no. 185; Lidzbarski, *De prophetis quae dicuntur legendis arabicis* (Leipzig, 1893), pp. 15–20.

۳۸. ثعلبی در مقدمه کتابش تنها به صورتی غیر مستقیم به این نکته اشاره می‌کند: «این کتابی است شامل داستان‌های پیامبران مذکور در قرآن همراه با تفسیر... (ثعلبی [قاهره: حلی،] ص ۲).

39. cf. Lidzbarski, *De prophetis quae dicuntur legendis arabicis*, 20–25; EF, 2: 1037.

۴۰. در این باره رک به:

Goldziher, *Muhammedanische Studien*, 2: pp. 161–170.

گلدتسهر، واکنش عالمان مدرسی به فعالیت داستان‌پردازان حرفه‌ای را که میل و افاری به نقل داستان‌های شخصیت‌های کتاب مقدس داشتند، به نحوی جامع بررسی کرده است.

۳۰. همان، ص ۴۴ به بعد.

۳۱. ثعلبی (چاپ قاهره)، صص ۲ و ۳. این مقدمه ثعلبی و آیات دیگر قرآن که ما ذکر کردیم، در الاعلان بالتبویح لمن ذم اهل التاريخ سخاوی نیز آمده است. سخاوی با ذکر این نمونه‌ها در صدد نشان دادن توجه خداوند به وقایع گذشته است. به نظر سخاوی، توجه خدا به داستان‌های گذشته، محرکی مهم برای پیدایی تاریخ‌نگاری اسلامی بوده و فعالیت علمی در این رشته را به خوبی توجیه می‌کند. به نوشته او، این موضوع برای نشان دادن برتری علم تاریخ و جایگاه رفیع پژوهشگران کافی است (همان، ص ۴۰۴).

در این باره همچنین رک به: کافجی، المختصر فی علم التاريخ (نسخه قاهره، دارالکتب، ۲۵۸، برگ ۵ پ، ۱۰ صفحات دیگر) که بر نقش الله در «خداهای مربوط به انبیا و رسل» بارها تأکید شده است.

32. Cf. Horovitz, *Koranische Untersuchungen*, 71ff

هورویتس از معانی مختلف این واژه در قرآن سخن گفته است.

۳۳. قیاس کنید با: قره‌حصاری، رونق التفاسیر (نسخه براتیسلاوا ۱۵۸)، برگ ۶۹ پ، که در آن، واژه حکمة به معنای دمیدن روح خدا در جسم آدم آمده است.

۳۴. کسائی، قصص الانبیاء، ج ۱، صص ۵ و ۶.

نجم‌الین دیدگاه نقادانه را نسبت به آثار قصص الانبیاء سنتی در چاپ نخست کتاب خود نیز نشان داده است. او در بخشی با عنوان «دیدگاه مردم درباره قصص الانبیاء من» به این نکته تصریح دارد.^{۵۱}

لحن سخن نجار به خوبی نشان می‌دهد که او قصص الانبیاء سنتی را از منظر مذهبی بسیار سرسختانه و تنگ‌نظرانه‌ای داوری می‌کند. نجار به این نکته توجه ندارد که این کتاب‌ها به شکلی که به دست ما رسیده مطابق با مطالبات اجتماعی آن روزگار تألیف شده است و از همین روست که از حیث شکل و محتوا، با تصورات بازتاب یافته در همه آثار رایج مشابه در آن دوران، همخوانی دارد. دقیقاً به همین دلیل بود که آثار قصص الانبیاء شهرت یافتند و در سراسر اعصار میانه، همچون گونه‌ای مستقل در منابع اسلامی شناخته می‌شدند. نجار عوامل مهم دیگری را نیز در نظر نمی‌گیرد؛ از جمله اینکه این مجموعه‌ها بنا نبوده است «داستان‌های پیامبران در قرآن» یا تفاسیر محض بخش‌های داستانی قرآن باشند، بلکه از همان ابتدا بر پایه منابع مختلفی با خاستگاه‌های غیرقرآنی و به عنوان مجموعه‌های بزرگ اخبار یا داستان‌های مرتبط با پیامبران گردآمده‌اند. بسیاری از روایان یا افراد دیگر در شکل‌گیری این آثار سهیم بوده‌اند. این موضوع به ویژه در مجموعه کسایی که به خودی خود دستاورد داستان‌سرایان سده‌های میانه است، آشکار می‌شود.

گردآورندگان داستان‌های پیامبران، ویژگی خاصی به آثارشان افزودند که آنها را کمابیش در زمره منابع اسطوره‌ای اسلامی قرار می‌دهد. شایان ذکر است عنصر اسطوره‌ای یا افسانه‌ای داستان‌ها در آثار قصص الانبیاء که اوج آن در قالب اثری کاملاً ادبی در این موضوع (کتاب کسایی) ظهور کرده، شاخص‌ترین ویژگی این آثار است.

در تاریخ منابع عربی، به جز عنوان رایج قصص الانبیاء، عناوین دیگری نیز معرفی داستان‌های خلقت و رخداد‌های زندگی پیامبران است. ابن ندیم در کتاب الفهرست (تألیف شده در سال ۳۷۷ ق) در فصلی با عنوان «اصحاب السیره والاحداث واسماء کتبهم»^{۵۲} به مؤلفانی بسیار قدیمی اشاره می‌کند که آثاری با عنوان کتاب المبتدأ تألیف کرده‌اند. از جمله این افراد، وهب بن منبه و محمد بن اسحاق‌اند.

معنای عبارت کتاب المبتدأ ممکن است این گمان را ایجاد کند که این کتاب‌ها صرفاً شامل داستان‌های خلقت بوده‌اند، اما این امر بعید به نظر می‌رسد. مطهر بن طاهر مقدسی در کتاب خود^{۵۳} (تألیف شده در سال ۳۵۵ ق) از درونمایه‌های کتاب ابن اسحاق^{۵۴} بسیار بهره گرفته است. این درونمایه‌ها هم در فصل‌های مربوط به داستان‌های خلقت و هم در

همچنان به قوت خود باقی است. کتابی با نام قصص الانبیاء که اخیراً چاپ دوم آن با عنوان فرعی «لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب» منتشر شده است تأییدی برای این مطلب است.^{۴۱} مؤلف این کتاب عبد الوهاب نجار^{۴۲} استاد تاریخ اسلام در دانشکده اصول‌الدین (دانشگاه الازهر) است. همان‌گونه که در مقدمه چاپ اول این کتاب آمده است،^{۴۳} عبد الوهاب نجار به دعوت شماری از استادان دانشگاه الازهر، مجموعه سخنرانی‌هایی درباره تفسیر بخش‌هایی از قرآن که به پیامبران پیش از اسلام اختصاص دارد، ایراد کرد.^{۴۴} هدف از این سخنرانی‌ها که دقیقاً با همین عنوان به چاپ رسید، آن بود که تعریفی دقیق از مفهوم قصص الانبیاء ارائه شود. نجار کوشش بسیاری به خرج داد تا معنای تعبیر قصص الانبیاء را روشن سازد. او به این نتیجه رسید که این اصطلاح به داستان‌های مذکور در قرآن و داستان‌هایی حاوی گزارش‌های راجع به حیات پیامبران پیش از اسلام اشاره دارد.^{۴۵} کتاب او به فصل‌هایی تقسیم شده که هر کدام مربوط به یک پیامبر است. فصل نخست، شامل بررسی زندگی آدم، به معنای دقیق کلمه، در قرآن است. فصل‌های دیگر به ترتیب تاریخی، یکی پس از دیگری ذکر می‌شود. در ابتدای همه فصل‌ها، از جمله فصل مربوط به آدم علیه السلام^{۴۶} فهرستی از آیات مرتبط با پیامبر مورد نظر آمده است؛ سپس این بخش‌ها از نظر موضوعی به «موقف»‌ها یا واحدهای موضوعی تقسیم می‌شود^{۴۷} و در هر یک آیات مربوط به طور کامل می‌آید. مؤلف، این موقف‌ها را با آیاتی از عهد قدیم و عهد جدید مقایسه کرده است. در آموزه‌ها یا ملاحظاتی^{۴۸} که نجار در تفسیر آیات مربوط آورده، تفاسیر جدیدی چون المنار بیشتر مطمح نظر او بوده و نتایج آنها را با آرای خودش کامل کرده است.

چنان‌که از توضیحات پیشین پیداست، قصص الانبیاء عبد الوهاب نجار با رساله‌های سده‌های میانه با همین عنوان به کلی مخالف است. نجار بدون اطلاع از این موضوع، کاملاً اطمینان دارد که بیان او از داستان‌های قرآن تنها شکل صحیح روایت آنهاست. او در مقدمه دومین چاپ کتابش از آثار کهن و سنتی قصص الانبیاء این چنین انتقاد می‌کند:

در کتاب‌های تألیف شده درباره پیامبران پاک و رسولان نیک خدا نظر کردم و دریافتم که مؤلفان این آثار حق و باطل را به هم آمیخته‌اند؛ خیر نادرست را در کنار خبر درست جای داده‌اند و گردنبندهای خود را از مروراید و خاک درهم ساخته‌اند. ایشان داستان‌های خود را با هیچ محکی نسنجیده‌اند تا بتوانند اصل را از خرافه تمییز دهند.^{۵۵}

۴۱. رک به: یوسف: ۱۱۱.

۴۲. نجار: قصص الانبیاء؛ صفحه ۷.

۴۳. عبد الوهاب نجار: قصص الانبیاء؛ چاپ دوم با اضافات (قاهره و بیروت، ۱۹۶۶).

۴۴. همان.

۴۵. قیاس کنید با: دیدگاه ما درباره معنای اصلی اصطلاح قصص الانبیاء.

۴۶. نجار: همان، ص ۱.

۴۷. مثلاً رک به: «خلق آدم من طین» (نجار: قصص الانبیاء؛ ص ۲).

۴۸. مثلاً رک به: «الایضاح فی قصة آدم» (نجار: قصص الانبیاء؛ ص ۲۱).

۴۹. نجار: قصص الانبیاء؛ صفحه ح، ط.

۵۰. همان، صفحه ی.

۵۱. همان، صفحه ک.

۵۲. کتاب الفهرست (قاهره)؛ ص ۱۳۷-۱۴۹.

۵۳. کتاب البدء والتاریخ (چاپ هوار).

۵۴. مقدسی می‌گوید: «اما محمد بن اسحاق در کتابش می‌گوید که کتاب او نخستین کتابی است

که درباره آغاز خلقت تألیف شده است...» (کتاب البدء والتاریخ، چاپ هوار، ج ۱، ص ۱۴۹).

التفاسیر دارد.^{۶۳} از مقدمه این اثر می‌توان دریافت^{۶۴} که مؤلف در تألیف این اثر، از تفسیر بغوی (ابن فراء، د ۵۱۶)^{۶۵} و نیز «دیگر داستان‌های تفسیری، از جمله احادیث نبوی برگرفته از [دو کتاب] مصابیح و مشکاة»^{۶۶} استفاده کرده است. منظور از این دو کتاب مصابیح السنة بغوی و مشکاة المصابیح ولی‌الدین [خطیب عمری] (د ۷۴۳) است که تکمله‌ای مشهور بر کتاب بغوی به شمار می‌آید.

آلوارت [خاورشناس آلمانی و متخصص در زبان و ادبیات عربی، د ۱۹۰۹] پیش‌تر از عدم انسجام تألیف قره‌حصاری سخن گفته است.^{۶۷} بررسی اجمالی این متن نشان می‌دهد مؤلف در تألیف اثرش به منابع گوناگونی استناد کرده و اقوال برگرفته از آنها را بدون رعایت نظم و ترتیب خاصی آورده است. ویژگی شاخص این اثر، تمایل مؤلف به استفاده از منابع عامه‌پسند است که در فصل‌های پایانی به صورت چشمگیری قابل مشاهده است. در این فصل‌ها^{۶۸} نقل عالمانه مطالب تقریباً به طور کامل به حاشیه رفته است؛ بنابراین عنوان رونق التفاسیر تنها تاحدی مطابق با محتوای اثر است. این اثر در واقع تألیفی بی‌ارزش در گونه قصص الانبیا است که احتمالاً به سبب تمایل نویسنده‌اش به روزآمد بودن چنین نامی گرفته است.

دیگر آثار این گونه ادبی، عنوان‌هایی چون عرائس القرآن و نفائس القرآن^{۶۹} یا کتاب العقائت^{۷۰} دارد.

پیش‌تر در مقاله‌ای دیگر،^{۷۱} آثار اسلامی بعدی را که تصویرگر سرگذشت‌های پیامبران بودند، بررسی کرده‌ایم. موضوع این مقاله عبارت بود از تحلیل اثر این‌ابی‌عذیبه از حیث شکل و محتوا و توصیف کلی از گرایش‌های غالب در آن که شاخصه زندگی‌های پیامبران در منابع عربی دوره رو به انحطاط بوده است. به احتمال زیاد، بروز عناوین متنوع برای زندگی‌های پیامبران در اواخر سده‌های میانه، برآمده از اقبال گسترده به تألیف در این دوره است. بی‌محتوایی و بی‌مایگی عمومی حاکم بر تألیفات این دوره سبب شد آثار بی‌ارزشی درباره زندگی‌های پیامبران پدید آید و عناوین متعددی برای آنها وضع شود.

با این همه، عنوان قصص الانبیا در سراسر سده‌های میانه بر جای مانده و امروزه عنوانی است برای مجموعه‌های داستان‌های پیامبران که از حیث شکل و محتوا، کاملاً فراتر از چارچوب تنگ و محدود قرآن است؛ هر چند نخستین انگیزه‌های پیدایی آن، برخاسته از قرآن و تفسیر بوده است.

فصل‌های راجع به حیات پیامبران پیش از اسلام دیده می‌شود. مقدسی در اقوال برگرفته از ابن اسحاق، تنها از کتاب المبتدأ و نام برده است؛ مثلاً اینکه «محمد بن اسحاق در المبتدأ می‌گوید»^{۵۵} یا «همه این مطالب آن چیزی است که محمد بن اسحاق مؤلف مبتدأ و مغازی نقل کرده است»^{۵۶}؛ اما نمی‌توان گفت آیا کتاب المبتدأ و هب همان قصص الانبیایی است که حاجی خلیفه به او نسبت داده است یا خیر.^{۵۷}

در هر حال، باید میان معنای حقیقی واژه مبتدأ یعنی آغاز که در بیان مقدسی آمده^{۵۸} و معنایی که در عنوان کتاب المبتدأ مراد بوده است، تمایز روشنی باشد. عبارت کتاب المبتدأ، همان‌گونه که پیشتر گفته شد، در معنای عام‌تری به کار رفته است. نمونه بعدی مؤید این واقعیت است: مسعودی (م ۳۴۵) در مروج الذهب خود، پس از نقل داستان داوود و اوریا می‌نویسد: «این بود روایتی از داستان اوریا بن حیوان و نحوه کشته شدن او که با آنچه در کتاب المبتدأ و جاهای دیگر آوردیم، مطابقت دارد».^{۵۹}

مسلماً آثاری با عنوان کتاب المبتدأ به شکلی گسترده در اعصار نخست رواج یافته بودند، اما به شکل اصلی شان به دست ما نرسیده‌اند. مضامین این کتاب‌ها تنها از طریق آثار بعدی مورخان و مفسران یا به واسطه آثار قصص الانبیا (همچون قصص الانبیا ثعلبی) آشکار می‌شود.^{۶۰} عناوین دیگر مرتبط با همین موضوع، نظیر کتاب البدء یا کتاب بدء الدنیا یا کتاب بدء الخلق نیز بسیار رایج است. این عناوین اغلب بخشی از عنوان کامل کتاب بوده‌اند که با عبارت قصص الانبیا ارتباط داشته است.^{۶۱}

در سده‌های میانه اسلامی، برخلاف سده‌های نخست، چندین عنوان مربوط به زندگی‌های پیامبران دیده می‌شود. صرف نظر از عنوان قصص الانبیا که حتی برای آثار مجهول‌المؤلف و متفاوت از حیث حجم و کیفیت نیز به کار رفته است،^{۶۲} عناوین دیگری که قبلاً ناشناخته بود، در این دوران پدید آمد.

محمد بن نجیب قره‌حصاری (زنده در قرن نهم) تألیفی با عنوان رونق

۵۵. همان، ج ۲، ص ۳۸.

۵۶. همان، ج ۲، ص ۸۴.

۵۷. رک به: یادداشت شماره ۴ و ۵.

۵۸. مقدسی در مقدمه کتابش می‌نویسد: «من درباره آغاز و پایان خلقت و نیز داستان‌های پیامبران بعدی گزارشی گرد آورده‌ام» (کتاب البدء و التاریخ، چاپ هوازج، ص ۶).

۵۹. مروج الذهب (قاهره، ۱۹۶۴)، ج ۱، ص ۵۷.

60. cf. GAL, Suppl., 1: 205.

بروکلمان از مؤلفانی نام برده است که از کتاب المبتدأ ابن اسحاق یاد کرده‌اند.

۶۱. مثلاً رک به: یادداشت ۱۷، که در آن عناوین مختلف در ارتباط با اثر کسائی ذکر شده است. ۶۲. مثلاً رک به: نسخه قازان ۲۵. از بخشی از نسخه قازان می‌توان دریافت که بیانی ادبی از موضوع است. داستان‌ها منسجم است و ساختاری منطقی دارد. در این متن، ذکر از اوایان زنده است. پرتش (Die arabischen Handschriften der herzoglichen Bibliothek zu Gotha ۳: ۳۲۷) این قطعه را با متن کسائی مقایسه کرده، دریافت است که اساساً با یکدیگر متفاوتند. همچنین رک به: نسخه وین ۱۲۰۵، که داستان‌هایی از زندگی محمد و چهار خلیفه نخست را نیز دربردارد؛ به علاوه رک به: نسخه پاریس ۱۹۲۴، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، قاهره، دارالکتب ۸۲۹ مجامع، و مانند آنها.

63. see. GAL, 2: 229, Suppl. 2: 320.

۶۴. نسخه براتیسلاوا ۱۵۸، برگ ۶۷ الف.

65. EI^۷, 1: 893.

۶۶. نسخه براتیسلاوا ۱۵۸، برگ ۶۷ ر.

67. Verzeichnis der arabischen Handschriften der Kgl. Bibliothek zu Berlin, 1: 411 (Ms. Berl. 1028, Spr. 451).

۶۸. برای نمونه رک به: ارجاعات او به اثر کسائی در سرگذشت ادریس پیامبر (نسخه براتیسلاوا، ۱۵۸، برگ ۱۵۱).

۶۹. نسخه برلین، ۱۰۳۰.

۷۰. نسخه موزه بریتانیا، ۳۵۲، برگ ۱۶۹ پ.

۷۱. رک به: یادداشت ۳۶.